

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: دیپلوم انجنیر نسرين معروفی
۱۴ اکتوبر ۲۰۱۲

یادداشت:

از خوانندگان گرامی پورتال تقاضا می نمایم، تا سراینده این شعر را نیز معرفی بدارند، باشد متناسب با موضوعگیری سیاسی کنونی اش، از وی یاد نمائیم.

با عرض حرمت

نسرين معروفی

جنبش شعله ها

تو ای همرمز و همزنجیر و همسنگر
بجنب و فکر کاری کن
که همزمان تو محکوم می سازند فطرت را
بدر کردند گنج از قعر خاک و اوقیانوسها
و بشکستند آن ذرات ریزی را که عقل از درک او در وادی حیرت فرو رفته
بریدند مرز اتمسفر با تیر فلک تند راکت و اقمار
و بشکستند طلسم عظمت دیرینه وینوس و مریخ و عطارد را
و آوردند پیک از پشت ماه و آن سوی کیهان
تو تا کی خوابی و مسموم در بند خرافاتی
تو ای همرمز و همزنجیر خیز و فکر کاری کن
و تا کی اینقدر محروم و با فقر و مرض دست و گریبانی
نمی دانی که این ناراحتی ها از کجا گردیده دامنگیر
و نانت را که دزدیده
نجات تو به دست تست و کن عزمی به پیکاری
گناهست این که می گوئی

افق تار است و شب تار است و ره تار است و ناهموار
امیدی پیشتازی نیست درین راه ظلمت بار
نگر هم‌زمان تو شکستند این دژ بیداد
و بگریزند راه پیشتازی و رها بخشی
نمی دانی که حق گیرند با ایمان و ایثار و فداکاری
مترس از این هیولای ستمگاران و دژخیمان
که نبود پایه اش سنگین و مستحکم
که دایم چون حباب و کف بلرز از موج خلق بیکران باشند
درین مرز که زندان جهانش نام بگذاریم
که هستی مرگ تدریجیست
که مشقت خائنین از حاصل رنج تو و مردم به پا سازند قصر و جایگاه عیش و
لبخندی زنند بر عقل و طرز فکر و کردارت
گناه توست چون تن داده ای با سستی و ذلت
و قانع گشته با این شکل وضع نابسامانی
که این فعل تو جرأت داده دشمن را
که تا دست تعرض برزند بر ذهن و روح و جسم وجدانت
پژوهش کن تا آن اصل که عزلت به بار آورد و مارا زیون کرده
شنو حرف زما و زود در فکر عمل برخیز
تا بنیاد بیداد و ستم را بشکنیم و خورد سازیم این طفیلی ها
و بگذاریم سنگ نو به ایجاد جهانی
کندر نظم و مساوات و اصول و ارتقا دارد هم آهنگی